

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در آیات سوره مبارکه آل عمران بود؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» در بحث گذشته عرض کردیم که از مجموع این آیات شریفه مسلم این دو نکته استفاده می‌شود؛ نکته اول این است که کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند يك سرور و خوشحالی ذاتی دارند، بما آتاهم الله من فضله، به آنچه که خدا از فضل خودش در همین عالم برزخ به اینها عنایت کرده، که يك بخش آن اطلاع از جایگاهشان در بهشت است.

اینها نسبت به همین مشاهداتی دارند و آنچه که خدای تبارک و تعالی از فضل و کرم خودش به اینها عنایت کرده بسیار خوشحال‌اند. به اندازه‌ای خوشحال‌اند که يك روایتی از ابن مسعود از پیامبر اکرم(ص) رسیده که خدای تبارک و تعالی به این ارواح شهدا خطاب می‌کند که حالا که در این سرور ذاتی به سر می‌برید، در این خوشحالی ذاتی هستید چه آرزویی دارید؟ یعنی عین سرور هستید، این تعبیر «فرحین» نه اینکه غیر از فرح چیز دیگری هم دارند، اساساً غیر از فرح و سرور چیز دیگری نیست. نکته‌ای که از خود این آیه شریفه استفاده می‌شود همین است که این ارواح شهدا در عالم برزخ غیر از فرح هیچ غم و ناراحتی و حزنی ندارند، که این خودش خیلی نکته مهمی است.

اینها در سرور ذاتی به سر می‌برند و خدا می‌بیند که اینها چقدر مسرور و خوشحال‌اند، خطاب می‌آید به اینها که شما چه آرزویی دارید؟ اینها عرض می‌کنند که ما بالاتر از این وضعیتی که الآن داریم چه چیز می‌توانیم داشته باشیم؟ این همه نعمت‌ها و عنایات و فضل خدا که در آنها غوطه‌ور هستند. بعد به خدا عرض می‌کنند حالا که ثواب شهادت در راه تو اینقدر مقام دارد، آرزویمان این است که ما را دو مرتبه به جهان برگردانی تا دوباره در راه تو شهید شویم. خدای تبارک و تعالی در جواب می‌فرماید: نه، دیگر برگشت به دنیا در کار نیست، این خلاف سنت تَخَلُّفِ ناپذیر من است و شما به دنیا بر نمی‌گردید، بعد در این روایت دارد که پیامبر می‌فرماید اینها می‌گویند پس سلام ما را به پیامبر و بازماندگان ما برسانید و از وضع او به ما بشارت بدهید، از وضع آنهایی که در دنیا ماندند، خودشان طلب بشارت می‌کنند، که این آیات شریفه هم مطلب اول را دارد که اینها خودشان در يك سروری به سر می‌برند و هم يك خبر خوشی به اینها داده می‌شود. خبر خوش چیست؟

خبر خوش این است که مؤمنینی که هنوز در دنیا ماندند، آنها هم **«لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»**. دیروز عرض کردم در خیلی از این تفاسیر و ترجمه‌ها که من مراجعه کردم این **«لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»** را مربوط به خود ارواح شهدا قرار می‌دهند! یعنی ارواح شهدا **«لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»**. نه، این آیه شریفه بعد از اینکه ارواح شهدا طلب می‌کنند که حال اینهایی که در دنیا از ما ماندند، از زمره مؤمنین به ما خبر بده! خدا می‌فرماید شما نگران نباشید بدانید اینها هم **«لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»**.

بحزنون» نه خوفی نسبت به آینده دارند و نه حزنی نسبت به گذشته دارند. که عرض کردم این نکته بسیار بسیار لطیفی که مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله علیه فرموده که این **أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ** ثواب اعمال مؤمنین در همین دار دنیا است، نه بعد از اینکه از این دنیا رفتند! یعنی انسان مؤمن در ایمانش، تقوا و بندگی خدا، او را به مقامی می‌رساند که در این دنیا یکی از ثواب‌هایی که خدا به او می‌دهد این است که خوف و حزن را از او می‌گیرد و دیگر خوفی نسبت به آینده ندارد و حزنی نسبت به گذشته ندارد و این مربوط به همین مؤمنین است. این **أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** نمی‌خواهد به آن شهدا و ارواح شهدا بفرماید که شما خوف نداشته باشید، نه! خبر می‌دهد از حال مومنینی که هنوز از دنیا نرفته‌اند و اینها هم چنین ثوابی را دارند. آیه شریفه به خوبی دلالت بر این دو مطلب دارد.

اینجا يك نکته‌ای را در کلمات فخر رازی دیدم؛ ایشان تعبیر می‌کند به اینکه این «**عند ربهم**»، آیه می‌فرماید «**أَحْيَاءُ**» زنده‌اند، معنایش روشن است که گفتیم از آن استفاده می‌شود که در عالم برزخ اینها زنده‌اند، «**عند ربهم**» یعنی چه؟ مگر وقتی ما راجع به مؤمنین می‌گوئیم «**اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ**» طبق آیه شریفه «**اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ**» هر نفسی را خدا توفی می‌کند، هر نفسی در نزد خداست، این **عند ربهم** در اینجا به چه معناست؟ فخر رازی می‌گوید این «**عند**» همان «**عند**» است که خدای تبارک و تعالی در صفت ملائکه دارد، خدا می‌فرماید «**وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ**» از خصوصیات ملائکه الهی این است که ملائکه چون «**عنده**» و «**عند الرب**» هستند اینها دائماً در حال عبادت خدا هستند. سعادت ملائکه در گرو همین است، یعنی تمام ارزش و سعادت ملائکه الهی در این است که عند الله هستند و دائماً دارند خدا را عبادت می‌کنند، اینجا هم بگوئیم این شهدا که از این عالم می‌روند تازه عبادت و بندگی‌شان نسبت به خدای تبارک و تعالی آغاز می‌شود، این «**عند ربهم**» یعنی اینها هم در زمره ملائکه که قرار می‌گیرند هیچ! بلکه بالاتر از آن، اینها هم دیگر «**لا يستكبرون عند عبادته**» یعنی دائماً مشغول عبادت و بندگی خدا هستند و هر چه عبادت می‌کنند مقامشان در نزد خدا بالاتر می‌رود، حالا ملائکه يك مقام ثابتی دارند، يك موجودات ثابتی هستند، آنها رفعت مقام پیدا نمی‌کنند، فقط این عبادتی که انجام می‌دهند سبب می‌شود تنزل مقام پیدا نکنند.

اما ارواح شهدا؛ ما بگوئیم از کلمه «**عند ربهم**» همانطوری که در آن آیه می‌فرماید «**وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ**» بگوئیم اینجا هم همینطور است که خدا ارواح شهدا را **عند ربهم** قرار می‌دهد. یرزقون همین رزق عبادت است، یعنی همین که دارند بندگی خدا می‌کنند، ما با فکر کوتاه خودمان رزق را در همین خورد و خوراک و این امور خلاصه می‌کنیم، اما یرزقون در اینجا همان **عند ربهم** است، یعنی همان عبادت، یعنی خدا به اینها مجال می‌دهد عبادت بیشتر کنند، این يك مقدار ضعف خدانشناسی ماست، می‌گوئیم تمام عبادات در همین دنیا است، دنیا که تمام شد، همه‌ی ابواب بسته می‌شود، این برخلاف روایات و آیات ماست.

می‌گوییم همه علم و تعلّم و یادگیری در دنیا است، دنیا که تمام شد باب همه‌ی اینها بسته می‌شود! اینطور نیست، بلکه تمام این عالم دنیا يك مجال و محل موقت است که علم و عبادت موقت در آن است، حتّی رزق‌های ظاهری فانی شدنی موقت در آن هست، انسان از این عالم که می‌رود تمام اینها توسعه پیدا می‌کند، انسان که از این عالم می‌رود تازه می‌تواند عبادت خدا را بفهمد و آن عبادت‌هایی که ما حالا نمی‌توانیم تصور کنیم شروع کند! اینطور نیست که وقتی از دنیا رفتید دیگر نه عبادتی است و نه علمی! چطور می‌شود این خورد و خوراک را خدا در قیامت برای ما فراهم کند، اما بگوید باب عبادت بسته شده؟! باب علم بسته شده؟! نه، تازه آنجا شروع می‌شود و از همین کلمه «**عند ربهم**» تمام این مطالب را می‌توانیم به دست بیاوریم.

قبلاً هم عرض کردم این روایت را در برخی از کتب اهل سنت دیدم که این «**عند ربهم**» را معنا می‌کنند «**پرکعون، یسجدون**»

يقومون، يعبدون» تازه انسان طعم عبادت را در آن عالم مي‌چشد، اينجا با اين حصارهاي دنياوي و با اين نفسانيات و امور آلوده‌ي دنيا، اصلاً در دنيا نمي‌شود طعم عبادت را چشيد! اگر هم مي‌گوئيم يا مي‌گويند (آن بزرگان و اوليائي كه حلاوت عبادت را مي‌چشند)، يك گوشه‌اي از آن است، حلاوت واقعي عبادت بعد از اين است كه انسان از اين عالم مي‌رود و خدا مشهود كامل و مشهود تام براي انسان مي‌شود، ديگر آنجا جاي شك و إن‌قلت و ترديد نيست، در اين عالم جاي شك و ترديد است اما در آن عالم اين چنين نيست! لذا تمام اين نكات را مي‌شود از اين «عند ربهم» استفاده كرد.

مثلاً صاحب مجمع البيان در كتابش فرموده «يرزقون أي من نعيم الجنة قدواً و عشي» يعني چه بگوئيم خدا صبح و شام از خورد و خوراك جنت به اين شهيد مي‌دهد؟ يا فرحين «أي بما أعطاهم الله من ضروب نعمه في الجنة» اولاً ما باشيم و عبارت مجمع البيان؛ مجمع البيان اين عند ربهم يرزقون و فرحين را مربوط به قيامت گرفته! اين را ديروز جواب داديم و گفتيم «أحياء» كه ظهور قوي دارد يعني «أحياء حين نزول الآية» «عند ربهم نزول الآية» «يرزقون عند نزول الآية» آيا مسلم مربوط به برزخ است و ظهور خيلي روشني دارد و اينكه مرحوم طبرسي در مجمع البيان اين را فرمودند. و بعد مي‌فرمايد «وقيل في قبورهم، و قيل معناه فرحين بما نالوا من الشهادة و جزاءه» چرا قول «قيل» را ايشان قبول نمي‌كند؟ اين «قيل» كه ايشان در اينجا گفتند، به نظر ما قول صحيح همين است.

اينجا ما رواياتي داريم و اهل سنت هم در اينجا مطلبي دارند؛ حالا مي‌خواهيم ببينيم اين مطلب درست است يا درست نيست؟ آنطور كه در تفاسير اهل سنت آمده، گفته‌اند وقتي كسي شهيد مي‌شود خدائي تبارك و تعالي روح شهيد را در حاصله‌ي پرنده‌ي سبز قرار مي‌دهد، حاصله همان چينه‌دان طيور است و معده‌اي كه انسان دارد، مثلاً اين روايت را فخررازي از ابن عباس نقل كرده، ابن عباس از پيامبر(ص) نقل كرده كه پيامبر «في صفة الشهداء» فرمودند «إن أرواحهم في أجواف طير خضر» ارواح شهدا بعد از اين عالم در دل طيور سبزرنگ قرار مي‌گيرد آن وقت اين طيور هر جا بخواهند مي‌روند «أنها ترد أنهار الجنة» كنار انهار جنت مي‌روند «و تأكل من ثمارها» از ميوه‌هاي جنت استفاده مي‌كنند، «وتسرح في الجنة حيث شاءت» هر جا بخواهند مي‌روند «وتأوي إلى قناديل من ذهب، معلقة في ظل العرش، فلما وجدوا طيب مأكلهم ومشربهم قالوا يا ليت قومنا يعلمون ما نحن فيه منه النعيم» وقتي مي‌بينند خدا اينها را در چه جايگاهي قرار داده، طيب مسكن، مشرب و مطعمشان، اينكه خدا چه رزق و روزي به اينها داده مي‌گويند اي كاش بستگان ما در دنيا مي‌دانستند ما الآن در چه نعيمي داريم به سر مي‌بريم «وما صنع الله تعالى بنا كي يرغبوا في الجهاد» بعد خدا به اينها مي‌فرمايد كه من خبر شما را مي‌دهم، «فقال الله تعالى أنا مُخبرٌ عنكم» ببينيد واقعاً انسان به كجا مي‌تواند برسد و چقدر ما از حقيقت خودمان غافليم كه انسان به جايي مي‌رسد كه خدا مخبر انسان بشود، خدا مبلغ انسان بشود «و مبلغ اخوانكم» به برادرانتان خبر مي‌دهيم كه شما در چه جايگاهي هستيد؟ «ففرحوا بذلك» آنها هم خوشحال مي‌شوند.

شبيه اين روايت هم دارند. آن وقت در روايات ما دو جور است كه اين روايات را مراجعه بفرماييد، در همين اصول كافي جلد سوم از صفحه 243 كتاب الجنائز، بابي دارد به نام باب في أرواح المؤمنين كه خيلي باب شنيدني‌اي است كه روح مؤمن بعد از اين عالم كجا مي‌رود؟ به چه شكلي درمي‌آيد و به چه نحوي است؟ چند روايت اينجا مرحوم كليني آورده و در روايات ما آنچه كه در روايات اهل سنت آمده كه روح شهيد در جوف يك طير خضر قرار داده مي‌شود رد شده، بعضي از روايات هم به حسب ظاهر موافق با آنهاست. ما دو دسته روايات داريم كه ان شاء الله فردا عرض مي‌كنيم.

